

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۹۷، صفحات ۲۹-۶۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۲/۲۴

## رویکرد متفکران مسلمان ایران و روسیه به سیاست پان آسیائیسیم ژاپن در اوایل قرن بیستم میلادی (مطالعه موردی عبدالرحیم طالبوف و عبدالرشید ابراهیم)

سجاد حسینی<sup>۱</sup>

غفار عبدالمهی متیق<sup>۲</sup>

### چکیده

در اوایل قرن بیستم میلادی ژاپن به‌عنوان یک قدرت نظامی و سیاسی شرقی وارد معادلات سیاسی جهان شد. این امر موجب شادی ملت‌های آسیایی شد، چرا که ظهور ژاپن را در راستای رستاخیز جدید آسیا تلقی می‌کردند. از طرف دیگر در خود ژاپن عده‌ای شعار آسیا برای آسیایی‌ها را طرح نمودند. حامیان این اندیشه، که عنوان «پان آسیائیسیم» یافت، خواهان توجه ویژه‌ی ژاپن به آسیا و حمایت از ملت‌های آسیایی در مقابل تهدیدات غرب بودند. حوادثی که در پی آمد، در عمل اندیشه‌ی پان آسیائیسیم را به حاشیه راند. چرا که ژاپن خود به استعمارگری جدید تبدیل شده بود. با این حال عده‌ای از متفکران مسلمان (در ایران و روسیه) هنوز به ژاپن اعتماد داشتند و امید دریافت یاری از این کشور را در سر می‌پروراندند. عده‌ای از متفکران مسلمان نیز به اسلام آوردن ژاپنی‌ها دل بسته بودند و شایعاتی چون تشرّف امپراتور ژاپن به اسلام در گوشان طنین زیبایی داشت.

۱. استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

s.hoseini@ac.ir  
gabdollahi1396@gmail.com

۲. محقق رشته تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

انعکاس اندیشه‌ی پان آسیائیسیم در میان مسلمانان موضوع این مقاله است. این تحقیق در نظر دارد با روش توصیفی- تحلیلی از طریق بررسی آرای دو تن از متفکران مسلمان (عبدالرحیم طالبوف از ایران و عبدالرشید ابراهیم از روسیه) نوع نگاه ملت‌های مسلمان به مساله‌ی پان آسیائیسیم، بخصوص در ایران و امپراتوری روسیه، را بررسی نماید. یافته‌های تحقیق مؤید آن است که توجه متفکران مسلمان به سیاست پان آسیائیسیم ژاپن برای بهره‌برداری از قدرت در حال طلوع ژاپن برای مهار توسعه‌طلبی دیگر قدرتهای استعمارگر، بخصوص روسیه و انگلستان، بوده است.

**کلمات کلیدی:** پان آسیائیسیم، ژاپن، ایران، روسیه، عبدالرحیم طالبوف، عبدالرشید ابراهیم.



***Approach of Muslim scholars of Iran and Russia to pan-Asianism Policy of Japan in the Early Twentieth Century  
(Case Study Abdul-Rahim Talibov and Abdul Rashid Ibrahim)***

S. Hoseini<sup>1</sup>

Gh. Abdollahi Motnagh<sup>2</sup>

**Abstract**

In the early twentieth century Japan emerged as a military and political power of Asia into the world's political equations. It was a joy for Asian nations, because they saw the emergence of Japan as a new resurrection for Asia. On the other hand, some in Japan chanted "Asia for the Asians" slogan. Supporters of this idea, which was entitled "Pan – Asianism" called for special attention of Japan to Asia and the support of Asian nations against threats from the West. In the wake of events that, in practice took place, the idea of pan-Asianism marginalized, Because Japan became the new colonialism.

However, some Muslim scholars (In Iran and Russia) still had confidence in Japan and hoped to receive assistance from that country. Some Muslim scholars also believed to convert Japanese to Islam, and some believed the rumors that Japanese Emperor had accepted Islam.

The idea of pan-Asianism and its reflection among Muslims is the subject of this paper. It wants to do this by studying the ideas and actions of two Muslim scholars (Abdul- Rahim Talibov from Iran and Abdul-Rashid Ibrahim from Russia). In addition this paper aims to study the Japanese propaganda activity in Asia and the reaction of Asian people to that messages .

**Keywords:** Pan- Asianism, Japan, Iran, Russia, Abdul-Rahim Talibov, Abdul- Rashid Ibrahim.

1 . Associate Professor at Ardebil University

2 . Researcher in the History of University of Isfahan

s.hoseini@ac.ir

gabdollahi1396@gmail.com

## مقدمه

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی در نتیجه‌ی نهضت میجی، ژاپن از انزوا خارج و به تدریج در مسیر رشد و توسعه قرار گرفت. این کشور در اثر برنامه‌ریزی دقیق و هوشیارانه در عرض پنجاه سال توانست خود را به صف کشورهای مترقی و صنعتی جهان برساند. بعد از حوادثی چون پیروزیهای ژاپن در مقابل چین (۱۸۹۴) و روسیه (۱۹۰۵)، تمام دنیا به ظهور یک قدرت جدید و این بار از شرق اعتقاد یافت. تحولات جدید بیش از همه موجب خوشحالی ملت‌های شرقی و آسیایی بود، چرا که ژاپن نشان داده بود یک ملت شرقی می‌تواند به همان جایگاهی دست یابد که غربیها در آن ایستاده‌اند. عقده‌ی حقارتی که در بین شرقیان وجود داشت، تا حدی با این پیروزی برطرف گردید و بارقه‌ی امیدی در دل ملت‌های آسیایی و شرقی روشن شد.

بخصوص پیروزی ژاپن بر روسیه موجب شهرت و محبوبیت این کشور در شرق شد. این پیروزی در کشورها و جوامع شرقی چون ایران، مصر و ترکیه هیجانات زیادی را برانگیخت. برای نمونه ایرانیان که از سیاست‌های توسعه طلبانه و فشارهای روسیه خاطره‌ی بدی داشتند، در شکست ابهت روس شادیها کردند. برخی نیز به نوشتن ستایش نامه و سرودن شعر در مناقب و محاسن دولتمردان و سرداران ژاپنی و بخصوص امپراتور ژاپن که «میکادو» نامیده می‌شد پرداختند. تمجید و ستایش از رهبران و سرداران ژاپنی رواج یافت و شخص امپراتور به‌عنوان معمار و بانی ژاپن جدید مورد احترام قرار گرفت. در مناقب اخلاقی و فضایل انسانی ژاپنی‌ها مطالب زیادی نوشته شد و از کاردانی و مناعت و درایت صاحب منصبانش به اغراق سخن رفت.

تحت تاثیر چنین فضای ذهنی، فعالان سیاسی و اصلاح طلبان ایرانی به ژاپن به‌عنوان الگو و نمونه‌ی موفق یک کشور آسیایی می‌نگریستند. خیلی زود ژاپن

به‌عنوان الگویی موفق برای کشورهای شرقی درآمد و فعالان سیاسی در این کشورها و جوامع به ایده آل کردن دست آوردهای ژاپنیان روی آوردند.

با این حساب سیاست پان آسیائیسیم ژاپن در واقع تلاشی برای همراه کردن آسیاییها با اهداف و برنامه‌های ژاپن و نیز دور نگه داشتن رقبای اروپایی و آمریکایی از منطقه‌ی نفوذ ژاپن بوده است. تاکید ژاپن بر سیاست «مونرویی آسیایی» موید این نظر می‌باشد.

گرچه در آن برهه عده‌ای از سرشناس‌ترین متفکران آسیایی از چین گرفته تا ایران و عثمانی به نحوی از سیاست پان آسیائیسیم ژاپن حمایت می‌کردند، اما در عمل اقدامات توسعه طلبانه ژاپن و سیاست خشن آن کشور در قبال چین و کره باعث وحشت آسیاییها از این برادر قدرتمند گردید و دیگر، تبلیغات پان آسیایی ژاپنی‌ها جذابیت چندانی، لاقلاً برای همسایگانی که ضربه‌ی نوک نیزه‌ی ژاپن را حس کرده بودند، نداشت. با این حال در مناطق دورتر آسیا و بخصوص در مناطقی که مردم تحت سلطه‌ی قدرتهای اروپایی و رقیب ژاپن قرار داشتند، هنوز گرایش به ژاپن شدید بود و به نوعی امید راندن اروپاییها از آسیا به کمک ژاپن هنوز در دل بعضی‌ها می‌درخشید. شاید شدیدترین اشتیاق به ژاپن را در آن موقع بتوان در بین مسلمانان روسیه سراغ گرفت. کسانی چون عبدالرشید ابراهیم هوادارشان در حد حرف و سخن باقی نماند و با ژاپنی‌ها ارتباط مستقیم برقرار کردند و برای نجات مسلمانان روسیه از سلطه‌ی روسها از این کشور کمک خواستند. این نحوه‌ی کمک خواهی در ایران وجود نداشت، چرا که ایران کشوری مستقل بود و اگر چه از روسیه دل خوشی نداشت اما امید چندانی نیز به دریافت کمک عملی از ژاپن در موقع خطر نمی‌رفت. در ایران ژاپن بیشتر به‌عنوان الگو و سرمشق ترقی طرف توجه بود. متفکران ایرانی تداوم موفقیتها و دست‌آوردهای این کشور آسیایی را با آب و تاب یادآوری می‌کردند. تا بلکه ایرانیان را به حرکت درآوردند و در آنها روح تلاش و کوشش را زنده سازند. بنابراین با وجود آنکه عده‌ای از ایرانیان با خوش بینی تمام

به ژاپن می‌نگریستند و حتی امید پیوستن ژاپن به جمع امت اسلامی را داشتند، اما متفکران آگاهی چون طالبوف این شایعات را چندان جدی نمی‌گرفتند و تنها به جنبه‌های پیشرفت ژاپن و پیش افتادن این کشور در زمینه علم و صنعت علاقمند بودند. بنابراین برداشت آنها از سیاست آسیائیسیم ژاپن بیشتر در رابطه با مقابله با تهدیدات غرب معنا می‌یابد و نیز اینکه همه‌ی آسیاییها به نوعی سرنوشت مشترکی دارند و برای غلبه بر مشکلات ناگزیر از همکاری و همیاری با یکدیگرند.

ژاپنی‌ها نیز به نوبه‌ی خود نسبت به غربیها احساسات منفی داشتند و آنها را مهمانان ناخوانده در منطقه می‌دانستند و آرزوی دور ساختن آنها از مناطق نفوذ خود را داشتند. این خواست به یک جریان مشخص تبدیل شد و در قالب شعار «آسیا برای آسیاییها» در ژاپن و دیگر کشورهای آسیایی طرفدارانی یافت. این سیاست برای ژاپن نه تنها به معنای دور ساختن رقبا از آسیا بود، بلکه امکان حضور کم‌دردسترتر این کشور در مناطق خارج از ژاپن را مهیا می‌ساخت. چرا که ژاپن کشورهای چین کره و چین را حوزه‌ی نفوذ طبیعی خود می‌دانست و فکر حضور غربیها در این مناطق آزارش می‌داد. از طرف دیگر ملتهای آسیایی که از استعمار غرب صدمه دیده، و تا آن زمان هنوز با چهره‌ی سلطه طلب و خشن ژاپن کاملاً آشنا نشده بودند، در قامت این قدرت جوان، برادر قدرتمند و مصممی را می‌دیدند که قادر بود آنها را از شر قدرتهای اروپایی نجات دهد.

با این حال این سیاست عقیم ماند و با سخت‌تر شدن مواضع ژاپن در قبال کره و چین و ورود سربازان ژاپنی به این سرزمینها به‌عنوان فاتح و نه ناجی، کم‌کم حس احترام و محبتی که در مردم آسیا و بخصوص چین و کره نسبت به ژاپن و دستاوردهای آن بوجود آمده بود، دچار خلل شد و مردم دیدند که ژاپن در این مسایل نیز پا در جای پای معلمان و آموزگاران اروپایی خود گذاشته و در واقع به اندازه آنها استعمارگر و سلطه جو است. در خود ژاپن، تحت تاثیر پیروزیهای بدست آمده، از طرفی فکر توسعه و گسترش قلمرو و نفوذ مطرح بود و از طرف دیگر نوعی

احساس تعلق نسبت به دیگر ملت‌های آسیایی در ژاپنی‌ها شکل گرفته بود. اینکه در آن دوره ژاپنی‌ها چقدر در ادعای خود مبنی بر دفاع از آسیاییها در مقابل غرب صادق بودند کاملاً مشخص نیست، اما این کاملاً آشکار است که حتی در تحت این لحافه نیز ژاپن به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه بود و به همسایگان کمتر توسعه یافته‌ی خود به‌عنوان اولین اهداف استعماری می‌نگریست.

گرچه سیاست آسیاگرایی ژاپن در سالهای بعد از جنگ اول جهانی در عمل به سیاست توسعه در آسیا تغییر ماهیت داد، اما باز کم و بیش حس احترام و اعتماد به ژاپن، لاقلاً در بین متفکران مستقل آسیایی باقی ماند و کسانی چون عبدالرشید ابراهیم تا آخر عمر از تحسین ژاپن دست نکشیدند. این امر بیشتر به دلیل دوری و مصون بودن سرزمین خود آنها از تجاوزات و دخالت‌های این کشور از طرفی و دچار بودنشان به تجاوزات و زورگوییهای قدرتهای رقیب ژاپن از دیگر سو بود.

سیاست پان آسیائیسیم ژاپن در ایران نیز انعکاس داشت و در اندیشه‌ی برخی از ایرانیان اثر گذاشت. در آثار متفکرانی چون طالبوف تا حدی به این نظر و اندیشه جای داده شده و از ژاپن تجلیل و تقدیر گردیده است.

تحقیق حاضر انعکاس سیاست پان آسیائیسیم ژاپن در ایران و روسیه را با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. در ایران تحقیقی که به طور مستقل و مشخص در این مورد شده باشد موجود نیست. هاشم رجب زاده در کتاب «تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر» اشارات مختصری به سیاست پان آسیائیسیم کرده است. همچنین در نشریاتی چون «حبل المتین» اشاراتی به این سیاست ژاپن صورت گرفته، اما هیچ کدام از آنها این مساله را در کانون توجه قرار نداده‌اند. تحقیق حاضر در صدد آن است که این خلاء را کمتر سازد.

### ژاپن قهرمان آسیایی‌ها

هنگامی که در سال ۱۸۵۴ میلادی ژاپن با تهدید **توپ** کشتی‌های جنگی ایالات متحده از انزوای خودخواسته خارج شد و درهائیش را به روی جهان خارج باز کرد،

کسی تصور نمی‌کرد که این کشور دور افتاده و منزوی در مدت کوتاهی در مسیر ترقی قرار گیرد. بعد از خروج از انزوا دوره‌ای از اصلاحات و تغییرات پرشتاب شروع شد که در تاریخ ژاپن از لحاظ کسب دست آوردهای تمدن صنعتی جدید ممتاز می‌باشد. این دوره که مصادف با دوره‌ی حکمرانی امپراتور «موتسو هیتو»<sup>۱</sup> (از ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲) می‌باشد در تاریخ ژاپن به‌عنوان دوره «میجی»<sup>۲</sup> معروف شده است. (نهر، ۱۳۸۶: ۸۷۷) ترقیات ژاپن در خلال حوادثی چون پیروزی سریع در جنگ با چین (در ۱۸۹۴ سال) نیز به جهانیان معرفی شد. در این جنگ ژاپن توانایی و قدرت اداره و انضباط ارتش خود را به جهانیان نشان داد و موجب اعجاب جهانیان گردید (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۲۵۷). ترقیات ژاپن در ماجرای لکشرکشی به پکن برای تنبیه نهضت «مشت زنان»<sup>۳</sup> بیشتر آشکار شد. در این جریان انضباط عالی و فضیلت سربازی ژاپنی‌ها تحسین غربیان را برانگیخت. (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۳۹) اما اصلی‌ترین صحنه‌ی تجلی قدرت ژاپن، در جنگ با روسیه بود. به دنبال پیمان اتحاد ژاپن و انگلستان<sup>۴</sup> در ۱۹۰۲، چون خیال ژاپن از جهت دخالت قدرتهای بزرگ در شرق دور تا حدی آسوده گردید، در قبال روسیه سیاست تهاجمی در پیش گرفت و از آن کشور خواست که نیروهای خود را از منچوری خارج سازد. (نهر، ۱۳۸۶: ۸۹۱) در جنگی که در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۴ بین دو کشور روی داد ژاپنی‌ها در برابر حیرت جهانیان روسیه را شکست دادند. ارتش به روز شده و آماده‌ی ژاپن به دنیا نشان داد که قادر است با بکارگیری صنعت و فن غربی یک کشور اروپایی را

#### 1. Mutsuhito

۲. رهبری تازه‌ای که در سال ۱۸۶۸ میلادی قدرت را در ژاپن بدست گرفت در کار ایجاد یک کشور متحد ملی و طرح و اجرای اصلاحاتی که ژاپن را در جاده‌ی ترقی و تجدید قرار دهد، با توان حیرت‌انگیزی عمل کرد. این دوره در عین حال دوره بازگشت قدرت به شخص امپراتور نیز هست. برای همین به دوره «میجی» (Meiji) یا «نهضت رجعت» معروف شده و سرآغاز تاریخ معاصر و عصر ترقی ژاپن بشمار می‌آید. (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۲۰۶)

۳. نهضت مشت زنان (Boxer Rebellion) یک جنبش ملی بود که در بین سالهای ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۱ بر علیه سلطه خارجی و ترویج مسیحیت در چین به راه افتاد. هنگامی که این جنبش جان‌خارجیان مقیم چین را تهدید کرد، کشورهای اروپایی به همراه ژاپن و آمریکا به چین نیرو اعزام و جنبش را سرکوب کردند.

۴. این پیمان در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۱ نیز تمدید گردید و در عمل برای ژاپن تکیه‌گاهی در مقابل قدرتهای دیگر اروپایی شد. ژاپن با استفاده از حمایت انگلستان برنامه‌های توسعه خود را با اطمینان بیشتری اجرا نمود. (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۳۱)



شکست دهد. (Sharabi, 1963: 282) این مساله از آن جهت **اهمیت داشت** که به جهانیان و مخصوصا شرقیها نشان داد که تکنیک و قدرت نظامی جدید منحصر به اروپاییها نیست و آسیاییها نیز می‌توانند به آن دست یابند. (آشوری، ۲۵۳۵: ۵۴)

پیروزی بر روسیه، ژاپن را محبوب آسیایی‌ها **کرد** و در دل ملل شرق بارقه‌ی امیدی افروخت. (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۴۳) در هند این مساله به رشد ناسیونالیسم تکان داد و وطن پرستان هندی از ژاپن سرمشق گرفته به مبارزات ضد انگلیسی خود شتاب دادند. (سپهر، ۱۳۶۲: ۴۳۱) مردم در مناطق عرب نشین به خیابانها ریخته به شادی پرداختند. «مصطفی کامل» نویسنده و سیاستمدار مصری کتابی تحت عنوان «خورشید در حال طلوع» منتشر ساخت. وی در این کتاب از خوانندگانش خواست که از ژاپن درس گیرند و رنسانس عربی را آغاز سازند. «حافظ ابراهیم» شاعر نیز اشعاری در تمجید از ژاپن سرود: «میکادو به ما آموخت که به وطنمان چون پدر و مادر خود بنگریم.» (Al-Badawi, 2014: 125) ملل آسیایی گویا ژاپن را از نو کشف کرده بودند. یکی از متفکران مصری می‌نویسد: «ژاپن ما را به وجد می‌آورد چرا که اولین دولت شرقی است که تمدن غرب را برای مقابله با امپریالیسم اروپاییها در آسیا به خدمت گرفته است.» (Esenbel, 2004: 1146) خالد ادیب، نویسنده‌ی معروف ترک، به مناسبت پیروزیهای ژنرال توگو، سردار ژاپنی، اسم پسر تازه متولد شده‌ی خود را «توگو» گذاشت. (Esenbel, 2004: 1140) همان موقع ناظم الاسلام کرمانی درباره ژاپن نوشت: «طلوع کوکب اقبال ژاپون از عجایب واقعات روزگار است و امروز برای سرمشق ملل غافل خواب آلوده هیچ نمونه‌ای بهتر از ژاپون نیست.» (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۱۸) نهر و در بیان حوادث آن دوره می‌نویسد: «همه می‌دیدند که یک قدرت بزرگ اروپایی بوسیله‌ی یک کشور آسیایی شکست یافته است. پس آسیا هنوز هم می‌توانست مانند گذشته‌ها اروپا را شکست دهد. **ناسیونالیسم** با سرعت بیشتری در تمام کشورهای آسیا رشد یافت و فریاد «آسیا برای آسیاییها» از هر سو بلند شد.» (نهر و، ۱۳۸۶:

۸۹۴) برخی از صاحب‌نظران فارغ از تبلیغات و فعالیتهای سیاسی ژاپن موقعیت آن کشور در هم‌آوردی با قدرتهای اروپایی را برای بیداری کشورها و ملت‌های شرقی و ایجاد روحیه‌ی اعتماد بنفس در آنان موثر می‌دانستند؛ دکتر ویشارد در این خصوص می‌نویسد: «پیروزیهای ژاپن در جنگ با روسیه آسیا را نیز تحت تاثیر قرار داد.» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۳۳) بنظر وی انقلابات شرق تحت تاثیر این پیروزی بوده است. (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۵۱) پیامی که از ژاپن به تمامی آسیایبها اعم از هندی و مسلمان صادر می‌شد این بود که «کلید بزرگی و عظمت یک ملت در دستان خود وی قرار دارد.» (Deveies, 2005: 650)

ایرانیان از قبل کم و بیش اطلاعاتی از ژاپن داشتند و حتی بعضی از ایرانیان از نزدیک این کشور را دیده و مطالبی نیز درباره آن نوشته بودند.<sup>۱</sup> ایرانیانی که از ژاپن دیدار کرده بودند عموماً نسبت به این کشور نظر خوشی داشتند. مخبرالسلطنه که درست در آستانه‌ی جنگ ژاپن- روس به همراه اتابک<sup>۲</sup> در این کشور حضور داشت، درباره توانایی صنعتی و هنری ژاپنیها می‌نویسد: «دست صنعت ژاپنی از هیچ چیزی می‌سازد که محل حیرت است حتی ریشه‌ی درخت را صورت تحفه‌ای می‌دهند.» (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۵۹) وی همچنین تحت تاثیر سادگی و متانت

۱. برخی از نویسندگان ژاپنی چون «ماتسوموتو سیچو» ادعا کرده‌اند که در قرن ششم یا هفتم میلادی گروهی از ایرانیان به ژاپن رفته در فرهنگ آن کشور تاثیر گذاشته‌اند. نویسنده‌ی دیگر «هایاشی ریوایچی» نیز در کتابش بنام «راه ابریشم» ذکر کرده که بعد از سقوط ساسانیان تعدادی از بزرگان ایرانی به چین و از آنجا به ژاپن رفته‌اند و مظاهر فرهنگ ایرانی را در آنجا رواج داده‌اند. (رجب زاده، ۱۳۶۸: ۳۶۷) اولین بار در سال ۱۸۹۰ یک هیئت تجاری ژاپنی به ریاست «ماساهارو یوشیدا» (Masaharu Yoshida) با ناو جنگی «هیئی» (Heiei) به ایران آمد. اعضای هیئت در تهران به حضور ناصرالدین شاه رسیدند. در سالهای بعد افراد بیشتری با منظور و اهداف متفاوت به ایران آمدند که می‌توان به سفر «یاسوماسا فوکوشیما» در سال ۱۸۹۶، «تویوکیچی اینتاها» در ۱۸۹۹ و «ماساجی اینوته» در ۱۹۰۲ اشاره کرد. در این میان سفر «حاجی کوتارو یاماتوکا» در ۱۹۰۹ به ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که وی هم اولین مسلمان ژاپنی است که به زیارت حج مشرف شده و هم از طرفداران سرسخت پان آسیاتیسم بشمار می‌رفته و به احتمال زیاد سفرش به ایران نیز در راستای پیشبرد سیاست پان آسیاتیسم بوده است. کوتارو سیاست جهان بدون در نظر گرفتن دنیای اسلام را ناقص می‌دانسته است. (کازاما، ۱۳۸۰: ۶)

۲. میرزا علی اصغر خان معروف به امین السلطان که برای سالها صدراعظم ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و برای مدتی کوتاه محمد علی شاه قاجار بود. در زمان مظفرالدین شاه عنوان اتابک نیز به عناوین وی افزوده شده بود. وی در سال ۱۳۲۶ هجری به دست عباس آقای تبریزی در جلوی مجلس شورای ملی به قتل رسید.

ژاپنی‌ها قرار می‌گیرد و صمیمیت آنها را می‌ستاید. (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۶۶) در جایی دیگر اشاره دارد که ژاپنی در چیز فنی محتاج خارجی نیست و با این وجود به قول وی «بیعاریهای تمدن هنوز به ژاپن راه نجسته است»، بلکه این ملت آنچه مطلوب و مرغوب بوده را اخذ کرده‌اند و کارهای لغو و بیهوده‌ی غربیها را فرو گزارده و «فریب ظاهر را نخورده‌اند». (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۷۹-۱۸۰ و ۱۹۲؛ معزی، بی تا: ۶۱)

پیروزی ژاپن بر روسیه در ایران انعکاس وسیعی داشت. شیخ ابراهیم زنجانی در خاطرات خود قید کرده است که ایرانیان به خاطر دل پری که از روسها داشتند در شکست این کشور شادیها کردند. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۰۲) اشعار و نمایشنامه‌های زیادی در این باره ساخته شد. موضوع عموم این آثار ستایش رهبران و سرداران ژاپنی بود. به تقلید از شاهنامه، منظومه‌ای بنام «میکادونامه» ساخته شد. شاید بارزترین تجلی ستایش از ژاپن در آسیا و شرق در میکادو نامه‌ی ایرانیان باشد.<sup>۱</sup> در قسمتی از میکادونامه به موضوع رویارویی شرق و غرب پرداخته شده است و روح آسیاگرایی در آن کاملاً مشهود می‌باشد:

«شود دود را پیش او دل کباب      شما غریبان را به مشرق چه کار؟  
سزد شاهدِ شرق بر شرقیان      نه ناحق در آغوش افرنجیان  
پس از روزگاری که قوم فرنگ      ببرند از آسیا نام و ننگ

۱. میکادو نامه به شیوه و سبک و وزن شاهنامه و در بیش از دو هزار بیت در سال ۱۳۲۵ هجری قمری توسط میرزا حسین علی تاجر شیرازی سروده شده است و از سوی روزنامه‌ی حبل‌المتین هندوستان در کلکته به چاپ رسیده است. هدف این منظومه تحریک غیرت ملی ایرانیان بود:

چرا در ترازوی عزت کمیم؟	«نه ما کم ز ژاپون و آن مردمیم
که از ننگ داریم سر زیر سنگ	ز غفلت چنین نام ما شد به ننگ
نجنییم چون مرده اندر کفن	به سنگ حوادث همه داده تن
یقین رشته‌ی عزّ ما بگسلد	بدین سان اگر دیرگه بگذرد
برند از زمان جمله همسایگان	بیایند در خانه بیگانگان
بود نوبت هوش و فرهنگ ما	چو ژاپون شد پیش آهنگ ما
خور و خواب و راحت به دور افکنیم.» (رجب زاده، ۱۳۷۹: ۹)	چو مردان او رو به مردی کنیم

به وحشی‌گری خواننده اهلش مدام      ز بی دانشی کرده خلقتش غلام  
 به قانون و نظم و اساس و سلاح      نموده همه کار خود را صلاح  
 به ناگه ز ژاپون فرخنده زاد      برآمد طبیعت به فریاد و داد

که آهسته‌ای با غروران غرب» (رجب زاده، ۱۳۷۹: ۱۰)

ادوارد براون بر آن بود که ژاپن تکان شدیدی در شرق ایجاد کرده و: «به نظر من می‌رسد که باید تغییری در خاور زمین پدید آید. پیروزی ژاپن نفوذ قابل ملاحظه‌ای در تمام شرق کرده و می‌بایستی بکند. حتی در اینجا (ایران) بدون شک تاثیر کرده است، از بررسی کمی، من باین نکته ایمان آورده‌ام و غالباً چنین به نظر من می‌آید که شرق از خواب گرانش سر برداشته.» (برون، بی تا: ۱۲۱) یحیی دولت‌آبادی در خاطراتش می‌نویسد «این حقیقت را باید تصدیق کرد که علم و تربیت چون با یکدیگر پیوسته شد ژاپن می‌شود و غرور و نخوت چون به هم آمیخت روس می‌گردد این یک نام و نشان خود را پست می‌کند آن یک از بی نام و نشانی به نام و نشان می‌رسد.» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۱۸) کسروی می‌نویسد که: «تا چند سال این جنگ‌ها در میان بود، و روزنامه‌ها داستان آنها را می‌نوشتند و بیدارشدگان با خوشنودی و دلخوشی آنها را می‌خواندند و سخت می‌سپیدند<sup>۱</sup>. این داستانها در ایران، کار بسیار کرده،... لشکرهای آماده‌ی ژاپن، و کاردانی‌های سرداران ایشان و پیروزیهای پیاپی که می‌یافتند، ایرانیان را تکان سختی می‌داد.» (کسروی، ۱۳۸۸: ۵۱) مخبرالسلطنه نیز به لزوم پیروی از الگوی حکومتی ژاپن و بهره‌گیری از تجربیات آن کشور اشاره کرده است. مخبرالسلطنه در خاطرات خود می‌نویسد که گاهی مظفردالدین شاه وی را دعوت می‌کرده تا در باب ژاپن برای وی صحبت کند. خود وی نیز از این امر استقبال می‌کرد: «گاه این فکر برای من می‌آمد که اصرار مظفردالدین شاه در مراجعت من برای کسب اطلاع از اوضاع ژاپن است که دولت

۱. سپهبدان به معنای احساس کردن بکار رفته است.

آسیائی است و ترقیات اروپائی کرده است. زودتر بروم بگویم شاید اثری داشته باشد.» چرا که شاه را مایل به اصلاح می دانست. (مخبر السلطنه، ۱۳۸۵: ۱۳۷) ناظم الاسلام کرمانی به هموطنان خود نهیب می زند که همانند ژاپون از غفلت و بی حالی خود را رها سازند: «چرا فکری به حال زار خود و هموطنان و هم کیشان خود نمی فرمائید و چرا در اوضاع عالم مشاهده نمی نمائید؟ این مملکت ژاپون برادر شرقی و آسیایی شماست که می بینید چگونه به اوج ترقی صعود نموده و چه حرکات محیرالعقول و خارق عادت نموده و می نماید.» (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۶) تقی زاده در هنگام صحبت از ضرورت حکومت مشروطه در ایران به طعنه و طنز رهبران ایران را با رهبران ژاپن که در آن موقع مظهر و نمونه کیاست و کاردانی و تدبیر شمرده می شدند، مقایسه می کند و به طور تلویحی ژاپن را در جایگاه قدرتهای بزرگ و کشورهای قابل اعتناء جهان قرار می دهد. (تقی زاده، ۱۳۲۲: ۷۰) علی اکبر دهخدا از نظر مرتبه و جایگاه، ناپلئون و میکادو را در کنار هم قرار می دهد. وی به ژاپن به عنوان نمونه و الگویی از پیشرفت و ترقی می نگرد و پیروی از سرمشق آن را به ایرانیان نیز سفارش می نماید: «مملکتی که دعوی عضویت هیئت دنیای امروز را می کند باید مثل ژاپونیهها در تمام مدارس و کارخانه های اروپ و آمریکا... قدمهای کوتاه و پشت چشمهای گشاده و دیده های کشیده و پیچیده خود را نشان بدهد.» (دهخدا، ۱۳۶۴، ج. ۲: ۲۶۹) به نظر دهخدا برای اینکه در دنیا صاحب جایگاه و احترام باشیم باید قبل از هر چیزی قدرت داشته باشیم و گرنه با عجز و ناله کسی به حرف ما گوش نمی دهد. وی ژاپن را به عنوان نمونه و مصداق خود می آورد که با قدرت و شجاعت ملت خود توانسته توجه دنیا را به خود جلب نماید و دنیا را مجبور به احترام و شناسایی حق خود نموده است: «اتحاد انگلیس با ژاپن، تردید موافقت روس با انگلیس و میل به اتحاد آلمان همه مبنی بر قوت ژاپن و آلمان است.» (دهخدا، ۱۳۶۴، ج. ۲: ۲۶۰) محمد امین رسول زاده در مقاله ای که در آن دوره نوشته قید کرده است که «پیروزی ژاپن در پرت

آرتور هیبت خوفناک تزاریسیم را درهم شکست» و هم در ایران و هم در ترکیه حرکت و جنبش و جوش انقلابی ایجاد کرد. (رسول زاده، ۱۳۸۷: ۲۰) به نظر رسول زاده آسیا بار دیگر دوران طلایی خود را به یاد آورده و «دیگر باره به زندگی، تمدن، ترقی و رونق» روی آورده بود. (رسول زاده، ۱۳۸۷: ۳۲) حاج سیاح در نقل وقایع سال ۱۳۲۲ می‌نویسد: «در این سال و سال قبل جنگ مهم روس و ژاپون در شرق اقصی واقع شد و بخلاف اعتقاد سیاسیون و عموم خلق که دولت روس را مغلوب نشدنی اعتقاد داشتند در تمام مواقع جنگ برآ و بحرأ و جنگ محاصره‌ای و صحرائی ژاپونیه‌ها شکست فاحش بروسها دادند... علاوه بر اینکه ژاپون شجاعت و علم و ترقی خود را به عالم نشان داد جوانمردی و تمدن خود را هم که فایق بر اروپائیان است در زمین نمایان نمود.» (حاج سیاح، ۲۵۳۶: ۵۴۱) حاج سیاح بر این نظر است که بر خلاف دیگر ملتها، این جنگ «ایران خفته را هشیار نمود. هر صدراعظمی عوض شد امیدها نومیدتر گردید، هر پادشاهی تغییر کرد عیش و غفلت بعدی بیشتر شد.» (حاج سیاح، ۲۵۳۶: ۵۴۱) ملک المورخین در متنی که از نطق صدراعظم ژاپن آورده صلابت و قدرت این دولت آسیایی را به ایرانیان نشان داده است: «چنانچه تمامی دول اروپا در حقوق مشروعه معلومه ژاپون بخواهند دست اجحاف دراز و چشم طرفداری و تعدی کردن باز نمایند، دولت ژاپون [با] کمال قوت قلبی که بدون خوف و هراس حاضر است دست رد بر سینه تمامی آنها بزند و رقابت وحشیانه و عصبیت جاهلانه دول اروپا را از بن براندازد.» (ملک المورخین، ۱۳۶۸: ۲۴۹) در این متن احساس غرور یک ایرانی از این جایگاه ژاپن کاملاً عیان است. حبل‌المتین در شماره هشتم سال بیستم (۲۱ شعبان ۱۳۳۰) با چاپ تصویر امپراتور متوفای ژاپن از فقدان وی بعنوان «اعظم ضایعات آسیا: زنده کننده‌ی ملت ژاپون - محسن بزرگ امت شرق» یاد کرده است. در ادامه به حقی که میکادو بر گردن مردم آسیا دارد چنین اشاره شده است: «بزرگترین حقی که این امپراطور معظم به شرقیان دارد این است که باطل فرمود قول جمیع فلاسفه و سیاسیون

غرب را که در کتب خود با دلایل می‌نگاشتند که شرقیین قابلیت ترقیات اهالی غرب را ندارند... این سه مملکت (ایران، عثمانی و چین) همیشه در تهدید و فشار روس بودند، و از خوف روس که سلطنت مستبده بود و هست قدرت ترویج مشروطیت و جمهوریت در خود نمی‌دیدند. لذا باید گفت اعلیحضرت متسوهیتو میکادوی متوفی مروج آزادی در کلیه‌ی مشرق و پدر ژاپونیان و محسن حقیقی شرقیان بود.» در ادامه روزنامه مزکور به سیاست پان آسیائیسیم ژاپنی‌ها با عنوان «اتحاد شرق» اشاره کرده است: «امپراطور متسوهیتو از چند سال به این طرف کمال میل و توجه را به طرف اتحاد ملل شرقیه و سلاطین شرق داشت. چنانچه کمیسیون مخصوص به دربار ایران گسیل فرمود و یک هیات بحریه به اسلامبول فرستاد ولی چون هنوز ما و برادران ما در عثمانی به منافع آجل پی نبرده و روابط عاجل از ژاپون را این قدرها مفید به حال خود تصور نمی‌کردیم صرف نظر از دوستی و روابط با این دولت قویه‌ی شرق نمودیم. ولی علت عمده همانا موانع باطنی یعنی قوت روس بود که ایران و عثمانی را مانع از اتحاد و روابط با ژاپون بودی.»

### سیاست پان آسیائیسیم ژاپن

در ژاپن سرمست پیروزی افکار گوناگونی وجود داشت که بیشتر برآمده از روحیه تهاجمی و اعتماد بنفس فوق العاده بود. یک جریان فکری در جامعه‌ی ژاپن وجود داشت که بر همراهی و همکاری ژاپن با آسیایبها تاکید داشت و بر این نظر بود که ژاپن بجای همراهی با قدرتهای امپریالیستی و اروپایی از انقلاب آسیایی در مقابل غرب حمایت نماید. (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۴۰) در واقع پان آسیائیسیم<sup>۱</sup> از محصولات نهضت میجی بود و بعد از اصلاحات میجی و قدرت گیری ژاپن ظاهر شد. در ابتدا تنها تعدادی از سیاستمداران و مقامات ژاپنی به این تفکر وابسته بودند

۱. در فرهنگ نامه‌ها و لغت نامه‌های ژاپنی «پان آسیائیسیم» به عنوان «اتحاد کشورهای آسیایی تحت رهبری ژاپن برای مقابله با تهاجم غرب» تعریف شده است (Vestre, 2011: 67).

اما با افزایش حضور غرب در آسیا این سیاست به‌عنوان عکس‌العملی نسبت به استعمار غرب قوت گرفت. چون حس مخالفت آسیایی‌ها با دخالت‌های اروپاییان یکسان بود و همه از نفوذ غربیها ناراضی بودند، **برای اولین بار در مردم این منطقه از جهان حس تعلق به «آسیا» شکل گرفت.** (Saaler, 2002: 4) پان آسیائیسیم چون یک جنبش واقعی که می‌توانست رقیب نظم تحمیلی اروپایی‌ها باشد، در نظر گرفته شد. (Aydin, 2009:135) ژاپنی برای خود رسالت رهنیدن ملل آسیایی از بند غربیها را قایل بود. طبق این مرام، این برادر قوی و جسور وظیفه‌ی خود می‌دانست که برادرهای ضعیفتر و بی‌حالت‌تر را به زور هم که شده از رخوت خارج سازد و در مسیر ترقی وارد نماید. ژاپنی‌ها بر آن بودند که همان نقشی را که ایالات متحده در آن دوره در قاره آمریکا اعمال می‌کرد، در آسیا به اجرا گذارند. در چنین فضای فکری «اوکا کورا تن شین<sup>۱</sup>»، بانی فکری پان آسیائیسیم در ژاپن، اندیشه‌ی «آسیای واحد» را طرح نمود. بر اساس این تفکر کل آسیا دارای یک تمدن معنوی واحد موازی با تمدن غرب بود. (Esenbel, 2004: 1144) احساس بر دوش داشتن ماموریت و مسئولیت ملل آسیایی حتی در مردم عادی ژاپن نیز ریشه دوانیده بود. یک فرد عادی در این باره می‌گوید «ما احساس می‌کنیم که مسئولیت داریم تا آسیا را بیدار و آزاد کنیم.» (کازانتزاکیس، ۱۳۷۹: ۱۳۹) در واقع دولت ژاپن ناگزیر از توجه خاص به آسیا بود، چرا که این منطقه در بین سالهای ۱۸۹۵ (جنگ ژاپن و چین) تا ۱۹۱۴ (شروع جنگ اول جهانی) به منطقه رقابت و مسابقه نفوذ قدرتهای اروپایی و آمریکا و ژاپن تبدیل شده بود. (گروارث، ۱۳۹۳: ۳۴۵) روزنامه جبل‌المتین در شماره‌ی ۳۴ سال بیستم (۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۱ / ۱۹ مه ۱۹۱۳) خود درباره‌ی طرح حمایتی ژاپن از ملتهای آسیایی می‌نویسد: «دیر زمانی است که دولت ژاپون در این فکر است که تمام دول آسیایی را در زیر لوای متحدانه و حمایت عالیه‌ی خود درآورد و آنها را از هجمات دول اروپا محفوظ نماید، و در این وقت حاضر که

---

1. Okakura Tenshin



جنگ بالکان مشعل‌های مهمی در ساحت اروپا افروخته ژاپون این فرصت را غنیمت دانسته... ژاپونها می‌گویند قشون دول بالکان مقدمه‌ی قشون اروپاست که ناگهان حمله ور گشته‌اند و به تدریج فکرشان تجاوز آسیا و محو آثار گرانبهای اهالی آسیاست و ما باید جدا در چاره‌ی این خطرات مهیبه‌ی اروپاییان برآییم.»

گرچه طبق اصول پان آسیاتیسم، ژاپنی‌ها می‌بایست قبل از هر چیز دیگر به برابری همه‌ی ملت‌های آسیایی معتقد می‌بودند، اما در عمل ژاپنی‌ها در این اتحاد ادعایی نیز برای خود جایگاه برتری را قایل بودند. در این راستا حق دخالت در امور همسایگان ضعیفتر و عقب مانده نیز خود به خود برای ژاپنی‌ها پیدا می‌شد. از نظر ژاپنی این سیاست به نفع ملل عقب مانده‌ی آسیایی بود.<sup>۱</sup> در این راستا طرفداران این سیاست بدون هیچ گونه تعارفی نظر می‌دادند که «باید کره را به انجام اصلاحات و افتادن به راه تجدد به الگوی ژاپن وادار ساخت تا متفق ارزنده‌ای در برابر سلطه جویی غرب در منطقه شده باشد.» بر این اساس آنها معتقد بودند که ژاپن رسالت دارد برای اتحاد ضد غربی که کره و چین نیز باید داخل آن باشند، همسایگانش را از مطامع استثمار و استعمار غربی حفظ کند. (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۱۸) در تبلیغات گفته می‌شد که «ژاپن همانند برادر کوچکتر و فعالتر می‌خواهد با تنبیه و تهدید، چین تنبل و عقب مانده را به حرکت و زندگی وادار سازد.» (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۴۳) ژاپنی‌ها حتی به سیاست اسکان ژاپنی‌ها در اراضی خارج از ژاپن نیز روی آوردند. در این راستا «یاماگاتا»، فرمانده نیروهای ژاپنی مستقر در کره، در نامه‌ای به امپراتور ژاپن خواهان مهاجرت و اسکان ژاپنی‌ها در شمال کره و ساختن

۱. در واقع بیشتر ملی‌گرایان افراطی ژاپنی بودند که به سیاست پان آسیاتیسم و شعار «آسیا برای آسیاییها» علاقمند بودند و آنرا تبلیغ می‌کردند. دولت ژاپن بیشتر تمایل داشت که به‌عنوان یک دولت جهانی شناخته شود تا به‌عنوان یک دولت شرقی و رهبر ملت‌های آسیایی. از طرف دیگر شخص امپراتور نیز چندان علاقه‌ای به این مسایل نداشت و حتی گفته‌اند که امپراتور میجی بکار بردن شرق و غرب به معنای کلمات متضاد را نمی‌پسندید. اما ملی‌گرایان تندرو به نشر افکار خود می‌پرداختند و با ملی‌گرایان سایر کشورها نیز همکاری و هم‌فکری می‌کردند. اندیشه‌ی آنها این اعتقاد ارتش را تقویت می‌کرد که ژاپن حق دارد به تحولات آینده چین [و بقیه کشورهای آسیا] جهت دهد (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۵۷).

راه آهن سراسری در آنجا شد. به نظر وی «کره پایگاهی برای ژاپن خواهد شد و این کشور از آنجا می‌تواند تسلط خود را تا چین و هند بگستراند و تفوق خود را به جهان همیشه نگهدارد.» (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۳۲۶)

**ژاپن در راستای تحقق اهدافش همسایگانش را مجبور به عقد قراردادهایی کرد** که بیشتر به نفع خود و به ضرر آنها بود. از جمله در ۱۹۱۵ چین را مجبور به امضای قراردادی نمود که بر نفوذ ژاپن در چین بسیار افزود. و در عمل ژاپن را به مهمترین بازیگر تحولات آسیا تبدیل نمود. با این حال برخی از این قدرتها علی‌رغم رقابت و چشم و هم‌چشمی با ژاپن، چندان مخالفتی با توسعه طلبی این کشور در کره و چین نشان نمی‌دادند و حتی بطور تلویحی از ژاپن حمایت نیز می‌کردند که نمونه‌ی آن را در حمایت انگلستان در مقابل روسیه شاهد بودیم. به نظر این قدرتها تلاشهای ژاپن، در راستای سعی و تلاش قدرتی متمدن برای توسعه دادن به همسایگان عقب مانده قرار داشت (گروارث، ۱۳۹۳: ۳۴۵). در آن دوره رقابت با روسیه دو کشور را به هم نزدیک کرده بود و در ایران نیز تا حدی آثار این رقابت مشاهده می‌شد. ادوارد براون در نامه‌ای که به سال ۱۹۱۲ به سر ادوارد گری<sup>۱</sup> نوشته روسیه را «دشمنی آشتی ناپذیر آزادی و در هم کوبنده‌ی ملت‌هایی چون لهستان، فنلاند و ارمنستان و یهود و غیره» معرفی کرده است (براون، ۱۳۸۷: ۲۸). برخی از ژاپنی‌ها نیز بر این نظر بودند که به دلیل همجواری با آسیایبها ژاپن حق ویژه‌ای در این منطقه دارد و کسانی چون ژنرال «تراوچی ماساتاکه»، فرماندار کل کره، از «دکترین منرو»<sup>۲</sup> ی آسیایی سخن می‌راندند (گروارث، ۱۳۹۳: ۳۴۹). یک فرمانده

1 . Sir Edward Grey

۲ . دکترین مونرو (Monroe Doctrine): یک دکترین سیاسی آمریکایی بود که در ۲ دسامبر ۱۸۲۳ توسط «جیمز مونرو» رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام شد. این دکترین مخالف استعمار یا دخالت قدرتهای اروپایی در کشورهای تازه استقلال یافته قاره آمریکا بود. بر اساس این دکترین، دولت ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت که از دخالت در جنگ‌های بین قدرتهای اروپایی و مستعمرات آنها خودداری، و وقوع جنگ یا فعالیت استعماری در قاره آمریکا را به‌عنوان حرکتی خصمانه تلقی کند. در جنگ آمریکا علیه اسپانیا در سال ۱۸۹۸ دکترین مونرو به اوج رسید، اما «وودرو ویلسون» با وارد کردن آمریکا به جنگ جهانی اول خط بطلانی بر این دکترین کشید. ژاپن نیز در نظر داشت سیاست مشابهی را در شرق آسیا به اجرا درآورد و پای قدرتهای اروپایی را از مسایل این منطقه دور

نیروی دریایی نیز نظراتی شبیه این داشت: «لازم است که سرزمینهای وسیع جنوبی و منابع غنی بخدمت گرفته شود و ژاپن وظیفه دارد که به‌عنوان رهبر آسیا، نژادهای جنوبی را از شرایط وخیم نجات دهد. آنها (نژادهای جنوبی) مواد خام می‌فروشند و ما (ژاپن) محصولات می‌فروشیم. این رابطه‌ی کامل‌کننده شرط تحول آسیای بزرگ می‌باشد.» (Yoshikawa, 2009: 61) «آکی نو کازاما»، اولین سفیر ژاپن در ایران<sup>۱</sup>، در سفرنامه‌ی خود عباراتی دارد که جالب است: «هرچند بر این عقیده‌ام که ژاپن امروزه، پیشدار و پیشرو خاور زمین است باز اگر این کتاب این حقیقت را به ژاپنیها بنمایاند که ژاپن فقط جزء کوچکی از شرق دور در پهنه‌ی گسترده‌ی آسیا و خاور زمین است، و در خودبینی و غرور خود اندازه نگهدارند، ارزنده است، اگر خواننده به این آگاهی برسد که برای مردم خاور زمین، که تا همین سالها زیر نظم جهانی تحمیل شده‌ی اروپا و آمریکا زندگی ذلت بار داشته‌اند، چه آینده‌ای هست، و ژاپن چه سهم و کارکردی در این رهگذر دارد اجر خود را یافته‌ام.» (کازاما، ۱۳۸۰: ۲۱)

انسان ژاپنی همانند اروپاییان برای خود «بار مسئولیت» تعریف کرد و به‌عنوان ملتی متمدن و وظیفه‌ی خود شمرد که از بار دنیای توسعه یافته در متمدن ساختن ملتهای وحشی و عقب افتاده سهمی نیز او بر دوش کشد. به تدریج ژاپن به سوی سیاستهای توسعه طلبانه و امپریالیستی سوق یافت. این روند که با مستعمره ساختن تایوان در سال ۱۸۹۵ آغاز شده بود با اشغال و مستعمره ساختن کره در سال ۱۹۱۰ ادامه یافت. این سیاست بخصوص در دوره «تایشو»<sup>۲</sup> (Taisho) سرعت

سازد. گویا طرح «دکترین مونروی آسیایی» نخستین بار در دیدار «تئودور روزولت»، رئیس جمهور وقت آمریکا با نمایندگان ژاپنی در سال ۱۹۰۵ مطرح گردید.

۱. در سال ۱۸۸۰ میلادی اولین هیات سفارت ژاپن به سرپرستی «ماساهارو یوشیدا» به ایران آمد. اما این هیات اختیارات زیادی نداشت و در ایران نیز چندان جدی گرفته نشد. حتی سرپرست هیات فاقد اعتبار نامه بود. در دوره‌های بعد نیز کسانی به سفارت به ایران آمدند، اما به معنای دقیق اولین وزیر مختار ژاپن در ایران «آکی نو کازاما» (Akio Kasama) بوده است. وی از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ میلادی در ایران اقامت داشت.

۲. دوره حکومت امپراتور تایشو (۱۹۱۲ تا ۱۹۲۶)، چون امپراتور از سلامتی چندانی برخوردار نبود، انتقال قدرت سیاسی از

بیشتری گرفت. (Vestre, 2011: 68) روزنامه ندای وطن در شماره ۴۹ مورخه ۱۰ رجب ۱۳۲۵ / ۶ اوت ۱۹۰۷ به سیاستهای سلطه‌گرایانه ژاپن نسبت به همسایگانش تاخته و به ایرانیان هشدار داده است که از این حوادث پند گیرند: «در شریعت مملکت‌گیری اروپائی و آسیایی فرق ندارند. دولت ژاپون که رب النوع رحم و مروت و مجسمه‌ی انسانیت و فتوت می‌شمردند [ش] و روزنامه‌ی مقدس جبل‌المتین ما را بتوسل بان دریای کرامت نصیحت می‌نمود عاقبت حمایتش این شد که شنیدید و فتوتش همان که دیدید.» (رجب زاده، ۱۳۷۲: ۹۵۴)

### پان آسیائیسم و جهان اسلام:

با پیروزی ژاپن فکر اسلام آوردن ژاپنیها نیز قوت گرفت. این خیال برای مسلمانان بسیار شیرین بود، چرا که بر این تصور بودند که می‌توانند از یاری این کشور در مقابل قدرتهای استعماری اروپایی بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup> حتی شایعه‌ی اسلام آوردن امپراتور ژاپن نیز بر سر زبانها افتاد.<sup>۲</sup> شماری از روحانیان و اندیشمندان مسلمان به امپراتور ژاپن عنوان «مویدالاسلام» دادند و بعضی از مطبوعات نیز اسلام آوردن امپراتور ژاپن را درست انگاشته به درج خبر آن پرداختند. (رجب زاده،

سیاستمداران مسن وابسته به اولیگارشی سنتی به مجلس قانون‌گذاری ژاپن و احزاب دموکراتیک اسان تر صورت گرفت. این دوره به‌عنوان دوره‌ی جنبش لیبرالی ژاپن نیز شناخته شده است.

۱. در خود ژاپن نیز گرایشاتی برای کمک به مردم تحت سلطه‌ی آسیا در آن دوره وجود داشت. بخصوص بعد از پیروزی در جنگ با روسیه، یک جریان فکری در ژاپن پدید آمد که بر این امر تأکید داشت که ژاپن بجای همکاری و همراهی با کشورهای امپریالیستی اروپایی، از انقلاب آسیاییها در مقابل غرب حمایت نماید. (بیزلی، ۱۳۹۳: ۳۴۰)

۲. روزنامه‌ی ندای وطن در شماره‌ی ۳۸ خود (به تاریخ ۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ / ۲۰ ژوئن ۱۹۰۷) اسلام آوردن امپراتور ژاپن را با خبری با عنوان «عالم اسلامیت را بشارت» منتشر ساخت. در این مقاله آمده بود که امپراتور ژاپن بعد از تحقیق و مطالعه درباره‌ی ادیان جهان، دین مبین اسلام را انتخاب نموده و همراه با هیئت وزرایش به اسلام مشرف شده است. در ادامه روزنامه‌ی مذکور به برکات چنین اتفاقی برای عالم اسلام چنین اشاره کرده است: «اگر این خبر مقرون بصدق و صواب باشد، یک مرتبه ضعف اسلام و مسلمین مبدل بقوت خواهد شد و آثار گفته‌ی حکیم دانشمند ملا عبدالرحیم طالب اوف که در مسائل الحیات خیر داده که همین قسم [که] اروپائی غالب و آسیائی مغلوب و مسیحی فاتح و مسلمان منکوب است، بیاید روزیکه اسلام غالب و سایر ادیان مغلوب شوند، ظاهر و مقدماتش فراهم شده و سلسله‌ی مسلمین با اتحاد مذهبی و آسیائی با توافق مشرب شرق و غرب عالمرا فرا گیرند...» (رجب‌زاده، ۱۳۷۲: ۹۵۳)

۱۳۷۵: ۱۷۲) در آن دوره اعتبار و اهمیت ژاپن آنقدر در بین مسلمانان و ایرانیان افزایش یافت که آقا سید محمد مجتهد طباطبائی ساکن تهران، تلگرافی به میکادو فرستاد و در آن سفارش مسلمانان ژاپن را نمود: «حضور میمنت ظهور اعلیحضرت امپراطور ژاپن. اگر چه با اخلاق مرضیه و تمدن فوق العاده آن دولت به این اظهار احتیاج نبود، ولی مقام اخوت با برادران مسلمین ساکنین آن مملکت مقتضی این توصیه شد. استدعا می نمایم توجه ملوکانه نسبت به آن برادران دینی طوری باشد که آسوده و محترم بتوانند از عهده تکالیف دینی و دنیوی خود بر آیند. رئیس ملت اسلام در ایران. محمد الحسین الطباطبائی» (ملک المورخین، ۱۳۶۸: ۲۴۱-۲۴۰) این نامه بیانگر آن است که یک نوع توجه و علاقه نسبت به این کشور در بین اقشار مختلف پیدا شده بود و امید یاری گرفتن از این کشور برای حل مشکلات مسلمانان جدی بوده است. همچنین در پس تمایل متفکران مسلمان به سیاست پان آسیائیسم ژاپن، یافتن مدلی برای توسعه و صنعتی شدن نیز قرار داشت. ژاپن به عنوان مدلی که ضمن حفظ فرهنگ ملی به صنعت و علم دست یافته بود مطرح می شد. همچنین این متفکران در پی مسلمان کردن ژاپنی ها بودند و می خواستند به این طریق جهان اسلام را تقویت کنند. (Esenbel, 2004: 1146) عکس العمل مقامات ژاپنی به ابراز علاقه ی مسلمانان نسبت به این کشور، در جهت بهره برداری از این گرایش به نفع مصالح امپراتوری ژاپن بود. این کشور که در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ بود، در صدد ارتباط با مسلمانان جهان برآمد. (Esenbel, 2004: 1147) عده ای از مسلمانان راه ژاپن را در پیش گرفتند تا برای کسب استقلال از یاری و مساعدت این کشور بهره مند گردند. متفکران و شخصیت های مسلمانی چون ایاز اسحاق، عبدالرشید ابراهیم و توفیر پاشا از آن جمله بودند. توفیر پاشا برای چندین سال در ژاپن زندگی کرد. عبدالرشید ابراهیم در ژاپن برای گرواندن ژاپنی ها به اسلام با مسلمان دیگری به نام محمد قربانعلی رقابت می کرد. (Yoshikawa, 2009: 62) همچنین ژاپنی ها برای تحصیل کودکان آسیایی

مدرسه‌ای با عنوان «مدرسه فرهنگ عمومی»<sup>۱</sup> دایر کردند که رویکرد پان آسیائیستی داشت. کسانی از شرق آسیا در آنجا تحصیل می‌کردند (Deveies, 2005: 650).

### طالبوف و پان آسیائیسم

تعدادی از ایرانیان نیز در آن دوره از ژاپن و سیاستهای آن کشور حمایت می‌کردند و موفقیت‌های آن کشور را با علاقه دنبال می‌نمودند. این عده اعتقاد داشتند که سیاست پان آسیائیسم ژاپن در جهت منافع مشترک مردم آسیاست. یکی از این افراد میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی<sup>۲</sup> بود. طالبوف ژاپن را الگوی حکومت مشروطه می‌دانست و از ایرانیان و دیگر آسیاییها می‌خواست از این نمونه تقلید و پیروی نمایند. (حائری، ۱۳۸۷: ۵۳) در این راستا طالبوف با تمجید از امپراتور ژاپن می‌نویسد: «امپراتور موید ژاپون بسلاطین آسیا سرمشق خوب داده. اگر از اوقات صید و شکار یا خواب نوشین قصور زرنگار خودشان قدری صرف تفکر مآل امور سلطنت و رفاهیت ملت خود نمایند، البته به اقدامات او متاسی می‌شوند و مثل آن پادشاه کبیر خود، اخلاف و ملت خود را به یک درجه مسعود می‌کنند.» (طالبوف، ۱۹۹: ۲۵۳۶) طالبوف معتقد بود که «منافع زندگی عموم ملت آسیا مشترک است و همه‌ی آنها چون اعضای یک بدن، به معاونت و محبت یکدیگر

#### 1. Common Culture School

۲. عبدالرحیم پسر ابوطالب نجار تبریزی در سال ۱۲۵۰ هـ. ق. / ۱۸۳۴ میلادی در محله سرخاب تبریز متولد شد. در شانزده سالگی به تفلیس رفت و در آنجا زبان روسی را آموخت و با علوم جدید آشنا شد. بعد در شهر «تمرخان شوره»، مرکز داغستان در آن زمان، اقامت گزید و به مقاطعه کاری راه‌های قفقاز پرداخت. وی از این طریق سرمایه‌ی کافی اندوخت (رئیس نیا، ۱۳۸۵: ۴۴۸). طالبوف با ثروتی که بدست آورده بود منزل آبرومندی برای خود تهیه دید و زندگی دلخواه خویش را در پیش گرفت. در آن شهر ازدواج نمود و به کارهای ادبی و سیاسی علاقمند شد. از پنجاه و پنج سالگی شروع به نوشتن آثار خود کرد. آثاری که باعث اعتبار و شهرت وی گردید. (افشار، ۱۳۳۰: ۲۱۵) به پاس خدماتش در ترویج آزادی و دفاع از مشروطه در دوره اول از طرف مردم تبریز به‌عنوان نماینده مجلس شورای ملی انتخاب گردید. اما وی به ایران نیامد و از نمایندگی انصراف داد. طالبوف در دهم ربیع الاول ۱۳۲۸ هـ. ق. در هفتاد و هفت سالگی در شهر تمرخان شوره درگذشت. از طالبوف آثار متعددی باقی مانده است که می‌توان به کتابهایی چون: کتاب احمد یا سفینه‌ی طالبی (در دو جلد)، نخبه‌ی سپهری (در زندگی پیامبر اسلام (ص))، مسالک المحسنین، مسائل الحیات، ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی اشاره کرد (شجری، ۱۳۸۷: ۷۴).

محتاج و مجبورند.» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۲۰۰؛ طالبوف، ۱۳۴۷: ۲۰۲) طالبوف بی عملی و تنبلی را بزرگترین آفت ملت‌های شرق می‌دانست و آنرا علت اساسی تسلط غرب بر شرق بحساب آورده، چنین «هزار کرور آدم دست آموز آسیا را که مغلوب علم و نفوذ سی گرور اروپایی» شده‌اند هدف نهیب قرار می‌دهد: چرا «از غلغله‌ی رعد این عالم ترقی، که گوش فلک را کر ساخته، لامحاله تاسی و تمثیل به ملت ژاپون نمی‌کنند و از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند.» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۰۴) طالبوف در ندایی که به مردم ایران می‌دهد تا به زعم خود آنها را به خود آورد، ژاپن را به‌عنوان نمونه‌ی یک ملت هشیار و با غیرت معرفی می‌کند: «ملت ژاپون می‌توانست مثل اکثر ملل بی غیرت آسیا دست روی هم بگذارد [و] آسوده بنشیند که دولت روس در سواحل محیط کبیر در ده ساعتی جزایر ایشان استقلال یابد و استقرار بگیرد؟ و اگر می‌نشست بعد از سی سال سزای این تنبلی و کاهلی و مستی و کوری جز تبعیت و عبودیت و فقدان ملیت می‌شد؟... مگر خونهای ریخته‌ی جوانان ژاپون جز جهاد فی سبیل الله است، یا اقدامات دولت روس جز اجرای وصایای پطر کبیر و تصرف کل آسیاست که هر دم به لباسی، گاهی به‌عنوان استخلاص اسلاویان بالقان انمود می‌یابد... بعد از همه‌ی اینها غلبه‌ی یک مشت ژاپونی به یک صحرای روس از علم و آزادی اولی و جهل و ظلم سلطنت مطلقه‌ی دیگری نیست؟ مگر نیل چهل و پنج ملیان مغول وحشی در سی سال به این غیرت و کفایت جز علم وسیله و جز آزادی سبب دیگر داشت؟» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۷۳-۱۷۲) طالبوف به‌طور ضمنی به قرار گرفتن ژاپن در بین دولت‌های بزرگ اشاره می‌کند و ژاپن را هفتمین قدرت بزرگ جهان می‌نامد. (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۱۶ و ۱۴۰) وی به برتری نظامی ژاپن نیز معتقد بود: «صدای عجیب و مهیب غیر مترقبه‌ی سالدات ژاپون از بنادر «والادوستون» و بنادر «کوره» هوش از سر رجال روس می‌برد.» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۶۰) طالبوف پیش بینی می‌کند که ژاپن در سی سال آینده بیشتر ممالک آسیا را به دولت ژاپن الحاق خواهد کرد. «این طفل یک شبه ره صد ساله می‌رود»، بعد از

سی سال تا کجا خواهد رسید.» (طالبوف، ۲۳۵۶: ۶۰).

طالبوف به «رستخیز آسیا» اعتقاد داشت و بر این نظر بود که آسیا در برابر ظلم و فشار غرب طغیان خواهد کرد. به نظر وی هیچ تدبیر غربی قادر به جلوگیری از رستخیز آسیاییها نخواهد بود و بهتر است که اروپاییان از بلندپروازی و دست درازی صرف نظر کرده «حق را در معنی خود بشناسند» و «اساس روابط خود را با ملل آسیا و مسلمان به راستی و صداقت و رضایت طرفین و مردم دوستی بگذارند.» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۸۳) طالبوف سرنوشت ایران و آسیا را وابسته به هم دانسته، مصایب تاریخی و علل عقب ماندگی آنها را یکسان بحساب آورده است: «ایران و آسیا از امتداد ایام هرج و مرج، و از نبودن مشوق، و فقدان اطمینان هم از استعداد طبیعی خود کاسته و هم از معلومات جدیدی عصر استفاده ننموده...» (طالبوف، ۱۳۴۷: ۷۸) طالبوف درباره‌ی لزوم احیای آسیا می‌نویسد که احیای آسیا منوط به این است که آسیاییان «اوطان خود را از احتیاج صنایع اروپا مستغنی بسازند و در فکر و دانش و تاسیسات سیاسی ترقی کنند. ورنه همین آش است و همین کاسه.» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۸۳) همچنین اتحاد آسیاییها شرط لازم برای احقاق حق آنها می‌باشد. به نظر طالبوف اگر آسیایی‌ها از غفلت و بی حالی خارج شوند برای دولت‌های استعماری وضع دشواری فراهم خواهد شد. در آن صورت غرب مجبور خواهد شد که «حقوق غالبیت» را مبدل به حقوق «انسانیت» نماید. (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۸۳) طالبوف در آخر کتاب «مسائل الحیات» ترجمه‌ای از قانون اساسی ژاپن آورد تا مورد استفاده‌ی ایرانیان باشد.

#### عبدالرشید ابراهیم و پان آسیائیسیم

در ابتدای قرن بیستم ناراضیان و مخالفان استعمار از کشورهای گوناگون در ژاپن گرد آمدند و این کشور به‌عنوان کانون و مرکز فعالیت آسیایی‌ها درآمد. مخالفانی که با قدرت‌های اروپایی دشمنی داشتند و در عین حال می‌خواستند



نحوه‌ی تجدد و مدرنیته بدون غربی شدن را با مثال ژاپن مطالعه کنند. در این راستا بود که افرادی چون «فان بویی چاو»<sup>۱</sup> از ویتنام، که آمده بود تا طریق شکست دادن فرانسه را بیاموزد؛ «راش بهاری بوسه»<sup>۲</sup> از هند که از دست انگلیسیها به ژاپن پناه برده بود؛ و عبدالرشید ابراهیم<sup>۳</sup> از روسیه در این کشور حضور داشتند. عبدالرشید ابراهیم توکیوی آن دوره را «بهشت فعالان مسلمانی که دنبال همکاری با ژاپن برای مقابله با غرب هستند» می‌نامد. در واقع در آن دوره حمایت ژاپن برای نهضت های ملی آسیایی بسیار ارزشمند بود. چرا که لاقول پناهگاهی برای فعالان و مبارزان ضد استعمار فراهم کرده بود. (Vestre, 2011: 68) در دوره‌ای که تبلیغات ژاپن برای رهایی ملل تحت سلطه و ستم آسیا جریان داشت، تعدادی از مسلمانان روسیه و متفکران آن سامان با اشتیاق و علاقه اقدامات ژاپن را تعقیب می‌کردند. مسلمانان روسیه که با تبعیض و فشار روسها روبرو بودند از هر امکانی برای سبکتر کردن و در صورت امکان برداشتن سلطه‌ی روسها استقبال می‌کردند. این افراد امیدوار بودند که با یاری ژاپن یوغ سلطه‌ی روسیه را از گردن خود بردارند. تعدادی از آنها به ژاپن سفر کردند و با مقامات ژاپنی مذاکراتی انجام دادند. افرادی چون آیاس اسحاق، رشید ابراهیم و توفیر پاشا از این جمله بودند. برخی از آنها برای

1 . Phan Boi Chau

2 . Rash Behari Bose

۳ . عبدالرشید ابراهیم در شهر تارا (Tara) واقع در استان توبولسک (Tobol'sk) سیبری غربی دنیا آمد. اجداد وی از بخارا به آنجا مهاجرت کرده بودند. در جوانی به کارهای مختلفی چون معلمی و ملایی در بین قباایل پرداخت. وی به‌عنوان طلبه‌ی علوم دینی بعد از سالهای ۱۸۷۸ به مکه و مدینه سفر کرد. در مدینه ساکن شد و به تحصیل علوم دینی همت گماشت. در اینجا با اندیشه اتحاد اسلام آشنا شد. در سال ۱۸۸۴ به روسیه بازگشت و به تدریس مشغول شد. مدتی نیز به‌عنوان قاضی در دادگاه اسلامی شهر اوقا انجام وظیفه نمود. در سال ۱۸۹۵ استعفا کرده به استانبول رفت. در آنجا به مدت دو سال توقف کرده رسالاتی منتشر ساخت که معروفترین آنها «چولیان یلدیزی»<sup>۳</sup> (به معنای ستاره صبحگاهی یا ناهید) بود. در این رساله وی مقامات روسی را به سرکوب مسلمانان این کشور متهم ساخت و خواهان احقاق حقوق فرهنگی و سیاسی آنها شد. بین سالهای ۱۹۰۰-۱۸۹۵ وی در مناطق مختلف آسیای مرکزی، روسیه و اروپا به سیاحت پرداخت. در سال ۱۹۰۰ در سنت پترزبورگ انتشار نشریه «مرآت» را آغاز نمود. در ۱۹۰۴ - ۱۹۰۳ اولین سفرش به ژاپن را انجام داد. گفته می‌شود ابراهیم جزو کسانی بود که قبل از جنگ روس و ژاپن به خدمت ژاپنی‌ها درآمد. ابراهیم با افکار پان آسیائیسم ژاپنی‌ها همراه شد و این امر وی را به نوعی در مخالفت با مقامات روسی قرار داد و با فشار قنصلگری روسیه مجبور به ترک ژاپن شد. همچنین وی در طی جنگ اطلاعاتی از مسلمانان روسیه جمع آوری کرده به ژاپنی‌ها داده بود. در سال ۱۹۳۳ به دعوت دوستان قدیمی به ژاپن رفت و تا آخر عمر در این کشور باقی ماند. (Sattar, 2008:24-25)

سالها در ژاپن اقامت گزیدند و کسانی چون رشید ابراهیم و محمد قربانعلی<sup>۱</sup> سعی کردند ژاپنی‌ها را مسلمان سازند. (Yoshikawa, 2009: 62) متفکرانی چون عبدالرشید ابراهیم به ژاپن به‌عنوان یاور و پناهگاهی برای مسلمانان روسیه و دیگر شرقیان می‌نگریستند. از نظر ابراهیم ظهور ژاپن جدید و صنعتی امید جدیدی برای رهایی مسلمانان عالم و بخصوص مسلمانان روسیه از اسارت وعده می‌داد. با پیروزی ژاپن در جنگ ۱۹۰۵ بر اطمینان و اعتماد ابراهیم نسبت به ژاپن هر چه بیشتر افزوده شد. ابراهیم در مجلسی چنین از ژاپن یاد کرده است: «من ژاپن را چون خورشیدی اوج گیرنده می‌دانم و از خدا می‌خواهم که امکان بهره برداری تمام شرقیان از روشنایی این خورشید را میسر سازد. ژاپن چون درختی تازه به گل نشسته است که تمامی شرقیان و بخصوص ما مسلمانان مشتاق خوردن میوه آن هستیم. اگر نخبگان این ملت نتوانند از این درخت محافظت نمایند در برابر تمامی شرق مسئول خواهند بود، چرا که زندگی ژاپن زندگی تمام شرق است.» (Palabiyık, 2013: 295) هدف ابراهیم رهانیدن دنیای اسلام از سلطه‌ی غرب بود. وی امیدوار بود که به یاری ژاپن به این هدف نایل گردد. برای همین انتظار داشت که **ژاپن در مبارزه با غرب به اندیشه‌های «پان اسلامیسیم» و «پان آسیائیسیم» اهمیت بدهد.** (Sattar, 2008: 35) یکی از ژاپنی‌هایی که ابراهیم با وی طرح دوستی ریخت «تویاما میتسورو»<sup>۲</sup> بود. این شخص از بانیان ملی‌گرایی ژاپن و آسیا‌گرایی بحساب می‌آمد. وی علاوه بر اینکه جمعیت «Genyousha» را پایه‌گذاری کرد، رهبری معنوی محفل و مجمع «کوکوریوکایی»<sup>۳</sup> (جمعیت رود

۱. «محمد عبدالرحی قربانعلی» (۱۸۹۲-۱۹۷۲) از جمله مسلمانان روسیه بود که در خدمت سیاست پان آسیائیسیم ژاپن درآمد. وی که از روحانیان باشعور بود به منچوری مهاجرت کرد و در آنجا با مقامات ژاپنی بر ضد چین و شوروی به همکاری پرداخت. وی در عین حال از طرفداران اتحاد اسلام بود. (Esenbel, 2004: 1157)

2. Toyama Mitsuru

۳. i یا (Amur River Society) نام یک جمعیت شبه نظامی راست افراطی ژاپنی بود که به چینی «جمعیت اژدهای سیاه» نامیده می‌شد. این جمعیت در سال ۱۹۰۱ میلادی توسط شخصی بنام اوچیدا ریوهی (Uchida Ryohei) بنیانگذاری شد. هدف این جمعیت دور نگه داشتن روسیه از آسیای شرقی و سد پیشروی روسیه در ورای رود آمور بود. این جمعیت در راستای اهداف فوق از سیاست پان آسیائیسیم نیز حمایت می‌کرد.

آمر) را نیز بر عهده داشت. هدف این مجمع متحد ساختن آسیاییها تحت رهبری ژاپن و رهایی آنها، از سلطه‌ی غربیها بود. هدف جمعیت این بود که همسایگان ضعیفتر ژاپن با الهام از این کشور ارتقا یابند و چون ژاپن قدرتمند گردند. (Vestre, 2011: 67)

در سال ۱۹۰۹ ابراهیم به همراه «تویاما میتسورو» و فعالان دیگر ژاپنی جمعیت «آژییا گیکاو»<sup>۱</sup> را در توکیو بنیان نهادند. برخی از اعضای ژاپنی این جمعیت که قبول اسلام نموده بودند، برای هدایت نهضت های رهایی بخش مسلمانان آسیا به فعالیت پرداختند.<sup>۲</sup> با تلاشهای ابراهیم مقامات ژاپنی توجهشان نسبت به مسلمانان روسیه افزایش یافت. ژاپنی ها به آنها به عنوان متحدان بالقوه می نگریستند. تحولات سیاسی و نظامی و روند حوادث نیز به تثبیت جایگاه ژاپن در آسیا کمک کرد و بخصوص با قراردادهای ۱۹۱۵ که بین ژاپن و چین منعقد گردید، در عمل ژاپن از بازیگری فرعی به یکی از تاثیرگذارترین کشورها در آسیا تبدیل شد. (گروارت، ۱۳۹۳: ۳۵۱)

بطور اجمال می توان ادعا کرد که **عبدالرشید ابراهیم** قلم، زبان و نشریه اش را در خدمت ژاپنی ها قرار داده بود و به نفع آنها تبلیغ می کرد. وی رابط این دو دنیا بود. در مدتی نیز که در ژاپن حضور داشت از طرف پان آسیائیست ها از وی دعوت به ارائه ی مقاله و سخنرانی می شد. وی در یکی از سخنرانیهایش که در آن موقع در مجله «روابط خارجی ژاپن»<sup>۳</sup> بچاپ رسید می نویسد: «به طور خلاصه، هدفم از زیارت ژاپن، بررسی جزئیات مسائل این کشور می باشد، در واقع قبل از جنگ روس - ژاپن من تقریباً چیزی درباره ی ژاپن نمی دانستم. موفقیت عظیم ژاپن در این جنگ چنان مرا تحت تاثیر قرار داد که تصمیم گرفتم به ژاپن بیایم. من مطمئن

1 . Ajia Gikai

۲ . در سال ۱۹۳۸ «انجمن اسلامی ژاپن بزرگ» توسط هایاشی سنجرو،<sup>۲</sup> نخست وزیر اسبق این کشور، و یک نفر دیگر تاسیس شد (Yoshikawa, 2009: 62).

3 . Gaiko Jiho

هستم که ما چیزهای زیادی برای آموختن در ژاپن داریم، که همانند خورشید تابان روز به روز اوج می‌گیرد. اما در مورد ملت تاتار<sup>۱</sup> ما، باید بگویم کلمات عاجز از بیان میزان سرکوب و فشار وارده بر آسیائیه‌ها از سوی اروپاییها **است**. از این نظر، من مطمئن هستم که با اتحاد بین کشورهای آسیایی ما قادر به مقابله با اروپا خواهیم بود و این حق مشروع طبیعی ماست. ما تاتارها در تائید و تصدیق ژاپن به‌عنوان ارشد خودمان ترددی نخواهیم داشت و امیدواریم که جوانانمان را برای تحصیل به اینجا بفرستیم. من هرگز باور ندارم که استقلال ما با وسایل عادی امکان پذیر باشد. تنها در صورتی که نظم جهانی تغییر یابد ما قادر به کسب استقلال خواهیم بود.» (Sattar, 2008: 33) ابراهیم در صحبتی که با «اوکوما شیجن اوبو<sup>۲</sup>»، وزیر خارجه پیشین، داشت می‌گوید: «ژاپنی‌ها چون خورشید طلوع کردند و در اولین تلاش خود به جهان ثابت نمودند که ملل شرق ظرفیت و توانایی اخذ تمدن [صنعتی] را دارند. و این بر خلاف نظر سخیف دیپلماتهای اروپایی در باب شرق **است**. شکی نیست که آنها مجبور به تجدید نظر در آرای خود خواهند شد. (Palabıyık, 2013:295) ابراهیم در سخنرانیهای خویش سعی می‌کرد نقاط اشتراک تمدن اسلامی و ژاپن را برجسته سازد. وی همچنین به تقبیح فعالیت مسیونرهای مذهبی مسیحی در جهان اسلام و ژاپن می‌پرداخت و بر اهمیت سوق الجیشی اتحاد و اتفاق بین امپراتوری ژاپن و مسلمانان جهان تاکید می‌نمود. در این راستا وی مقامات ژاپنی را به گسترش روابط با مسلمانان جهان تشویق می‌کرد. ایدئولوژی پان اسلامیستی وی منطبق بر اهداف پان آسیائیستی ژاپن بود. از طرف

۱. عبدالرشید ابراهیم در اینجا تاتار را به معنای کلی مسلمانان روسیه بکار برده است. وی در کتاب «چوبان اولدوزی» در این باره توضیح داده و تاتار را به‌عنوان نام کلی برای مسلمانان روسیه در نظر گرفته است. این نام را روسها و اروپاییها به مسلمانان روسیه، فارغ از نژاد و قومیت آنها داده بودند. (Ibrahim, 2015:20) اما در دوره تزاری روسها به اقوام مختلف ترک عنوان تاتار می‌دادند و حتی مسلمانان قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان کنونی) را به اشتباه تاتار می‌نامیدند. در سالهای بعد استفاده از این عنوان محدود به مسلمانان حوضه‌ی ولگا (قازان و حوالی آن که اکنون جمهوری تاتارستان روسیه را تشکیل می‌دهد) و ترکهای مسلمان شبه جزیره‌ی کریمه گردید.

دیگر ژاپن برای ارتباط با جمعیت بزرگ مسلمانان جهان به رابطی نیاز داشت. عبدالرشید ابراهیم از این لحاظ اهمیت زیادی برای این دولت داشت. (Sattar, 2008: 33-34)

ابراهیم در جلسه‌ی مفصلی که با افسران ژاپنی داشت (۱۹۰۹) راههای اتحاد ژاپن با شرق و نحوه کمک به ملت‌های شرقی را بررسی کردند. وی در این جلسه یک پروپوزال چهار و یک ماده‌ای به‌عنوان برنامه همکاری با مسلمانان جهان (شامل چینی، جاوایی و هندی) ارائه داد. اما تمام این تلاشها در واقع بیشتر به‌عنوان چشم انداز آینده مطرح بود و در سیاست خارجی ژاپن انعکاس فوری نداشت.<sup>۱</sup> کسانی که در آن موقع در کنار ابراهیم قرار داشتند، بعدها به تاسیس «انجمن اسلام» پرداختند. این انجمن به‌عنوان لابی ای عمل می‌نمود که ارتباط نزدیکتر با دنیای اسلام را تشویق می‌کرد. (Esenbel, 2004: 1152)

در مدتی که ابراهیم در ژاپن اقامت داشت به همراه ژاپنی‌هایی چون «تویاما میتسورو»<sup>۲</sup>، «اوجیدا ریوهی» و «اینوکا تسویوشی»<sup>۳</sup> یک جمعیت سیاسی بنام «انجمن دفاع از آسیا»<sup>۴</sup> تشکیل دادند. هدف این انجمن تامین اتحاد ژاپن و کشورها و ملت‌های آسیایی و دفاع از آنها بود. این انجمن حدود چهار نفر عضو از دنیای اسلام و یکصد عضو از خود ژاپن داشت. (Sattar, 2008: 34)

در ضمن فعالیت‌های سیاسی، ابراهیم از تبلیغ اسلام نیز غافل نبود. ابراهیم بر این نظر بود که بدون شک اسلام در بین ژاپنی‌ها گسترش خواهد یافت، چرا که آنها به

۱. گرچه در محافل گوناگون ژاپن از پان آسیائیسیم دفاع می‌شد و تلاشهایی نیز در این راستا انجام می‌گرفت، ولی واقعیت این بود که در هیئت حاکمه‌ی ژاپن چندان اعتقادی به عملی بودن این اندیشه وجود نداشت. چرا که ژاپن حتی در پس این شعار در پی ایجاد نظمی آسیایی بود که خود در راس آن قرار داشته باشد و قدرتهای اروپایی و غربی از آن اخراج شده باشند. در حالی که در اندیشه‌ی پان آسیائیسیم، همه‌ی آسیاییها برابر به حساب می‌آمدند و ژاپن نمی‌بایست نقش برادر بزرگتر و مسلط را بازی کند. (Deveies, 2007: 4)

2 . Toyama Mitsuru

3 . Inukai Tsuyoshi

4 . Ajia Gi Kai

صورت طبیعی به اصول آن پایبند هستند. او شخصیت و کاراکتر ژاپنی‌ها را شبیه مسلمانان می‌دید. **تنها شناساندن اسلام به ژاپنی‌ها باقی مانده بود.** (Palabiyık, 2013: 294) وی در دوره‌ی اقامت در ژاپن موفق شد که عده‌ای از ژاپنی‌ها را به دین مبین اسلام مشرف سازد. این عده به‌عنوان رابطان ژاپن با مسلمانان به انجام وظیفه پرداختند. آنها با سفر به کشورهای مسلمان در راستای اهداف ژاپن و سیاست پان آسیائیسیم فعالیت می‌کردند. (Sattar, 2008: 35-36) پان آسیائیسیم‌ها ژاپنی جهت جمع‌آوری اطلاعات و تحقق اهداف دیگر به عثمانی و دیگر نقاط جهان اسلام سفر کردند، اما با شروع جنگ جهانی اول در این مسافرتها وقفه ایجاد گردید، چرا که دو دولت در دو اردوگاه مخالف وارد جنگ شده بودند. (Sattar, 2008: 3)

عبدالرشید ابراهیم در سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۰ در استانبول کتابی با عنوان «عالم اسلام و ژاپونیا» انتشار اسلامیت» به زبان ترکی منتشر ساخت که در آن انتظارات و مطالبات خود به‌عنوان یک پان اسلامیت از پان آسیائیسیم ژاپنی را طرح کرده است. وی تلاش داشت که ژاپنی‌ها را به اسلام درآورد. وی همچنین ژاپنی‌ها را به ارتباط نزدیک با مسلمانان چینی تشویق می‌کرد. چرا که از نظر وی با کمک مسلمانان این کشور، ژاپن قادر به نفوذ در بازار چین می‌بود. از نظر ابراهیم «اگر ژاپن به اسلام بگردد، یک سوم آسیا را فتح خواهد کرد... اگر علمای ما ژاپنی‌ها را در این مسیر هدایت کنند، شکی نیست که آنها برای قبول اسلام استعداد زیادی دارند و گرنه تنها با دعوت به رستگاری نمی‌توان آنها را قانع و راضی نمود.» (Esenbel, 2004: 1150) از نظر ابراهیم ژاپنی‌ها با دارا بودن خصوصیتی چون نظافت و تمیزی، اخلاق نیک، عفت و فضیلت و هوشیاری اگر به اسلام می‌گرویدند، مسلمانان کاملی می‌بودند. (Esenbel, 2004: 1151)

ابراهیم در صحبتی که با یکی از علمای برننو داشت (۱۹۰۹) خاطر نشان ساخت که در ده سال آینده ژاپن برای رهاندن مسلمانان از یوغ هلند اقدام خواهد کرد.

شخص برنثویی نیز در پاسخ به خدماتی که به ژاپنیان کرده از جمله کمک به خرید ۲۶ هزار هکتار از زمینهای تحت حاکمیت هلندیها اشاره نمود. (Esenbel,2004:1149)

همکاری ابراهیم با پان آسیائیستهای ژاپنی مادام العمر بود. ابراهیم با کلنل «آکاشی موتوجیرو»<sup>۱</sup>، مغز متفکر سازمان اطلاعات ژاپن در اروپا در طی جنگ روس-ژاپن، دوستی نزدیکی برقرار نمود. وی در اواخر سال ۱۹۰۸ به ژاپن سفر کرد و برای پنج ماه در توکیو باقی ماند. در آن موقع علاوه بر ابراهیم متفکران مسلمان دیگری چون «احمد فضلی بیگ»، از مصر و «برکت الله» از هند در ژاپن حضور داشتند. این سه نفر نشریه‌ای انگلیسی زبان بنام «برادری اسلامی»<sup>۲</sup> تاسیس کردند که عقاید پان اسلامیستی و پان آسیائیستی را تبلیغ می‌کرد. اما با فشار دولت انگلیس مقامات ژاپنی جلوی انتشار آنرا را گرفتند. (Esenbel,2004:1148)

ابراهیم رساله‌ی «آسیا در خطر» نوشته‌ی «حسن هاتانو اوهو»<sup>۳</sup> (۱۸۸۲-۱۹۳۶) را ترجمه کرد و در ممالک اسلامی توزیع نمود. هاتانو از پیشگامان پان آسیائیسم ژاپنی بود که مسلمان شده بود. وی در این رساله‌ی مصوّر جنایات و کشتارها و شکنجه‌های غربی‌ها در آسیا را به تصویر کشیده بود. هاتانو بر این نظر بود که ژاپن و عثمانی به‌عنوان دو کشور مستقل در دو سر آسیا می‌بایست جلوی فعالیت‌های امپریالیستی اروپاییها را در آسیا سد کنند. (Esenbel,2004:1149) در سال ۱۹۰۹ ابراهیم با کمک جمعیت کوکوریوکایی به استانبول بازگشت و در مسیر خود از جوامع مسلمان چین و مستعمرات انگلیس و هلند نیز دیدار کرد. هدف وی رساندن این پیام بود که ناجی آتی جهان اسلام ژاپن خواهد بود. (Esenbel,2004:1149)

با کمک ابراهیم ماموران مخصوص ژاپن برای اعزام به سرزمینهای اسلامی با هویت و ظاهر اسلامی تربیت می‌شدند. در راه بازگشت به استانبول ابراهیم با یکی از

1 . Akashi Motojiro

2 . Islamic Fraternity

3 . Hasan Hatano Uho

ژاپنیان مسلمان بنام «یامائوکا کوتارو»<sup>۱</sup> (۱۹۵۹-۱۸۸۰) برخورد کرد. این دو همسفر شدند و به زیارت مکه و مدینه رفتند. یامائوکا که نام اسلامی عمر بر خود نهاده بود، اولین ژاپنی بود که به زیارت حج مشرف شد. وی در عربستان با رهبران عرب ارتباط برقرار نمود و در استانبول نیز به کمک ابراهیم برای دانشجویان تاتار کنفرانسهایی برگزار کرد و هواداری ژاپن از اسلام و پان آسیائیسم را به اطلاع آنها رساند. یامائوکا پذیرش اسلام را در راستای سیاست پان آسیائیسمی کشورش و خدمت به امپراتوری ژاپن به‌عنوان یک وظیفه‌ی ملی و میهنی قلمداد می‌کرد. در دیدگاه او ژاپنی جوان وظیفه داشت با تزریق و تلقین روح سلحشوری ژاپنی، به مردم در مانده و بیچاره‌ی آسیا کمک نماید. (Esenbel,2004:1149)

در بعد از برقراری رژیم بلشویکی در روسیه حدود ده هزار تاتار به شرق دور (منچوری) کوچ کردند. حدود هزار نفر از آنها به تدریج بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به ژاپن منتقل شدند و هسته‌ی اصلی جمعیت مسلمانان ژاپنی را شکل دادند. (Esenbel,2004:1157)

### نتیجه

پان آسیائیسم در ابتدا به‌عنوان **نهضت** و یا لاقلاً اندیشه و ایده آلی از طرف ژاپنی‌ها برای اتحاد ملت‌های آسیایی در مقابل غرب و امپریالیسم مطرح شد. ژاپن ادعا داشت که به‌عنوان برادر آگاه‌تر و توان‌تر وظیفه دارد از دیگر ملت‌های آسیایی در مقابل زیاده خواهی و تجاوز کشورهای اروپایی و آمریکا محافظت نماید. عده‌ای از آسیاییها و دیگر شرقی‌ها در ابتدا به این سیاست روی خوش نشان دادند و در قامت ژاپن آسیایی که جسارت و قدرت مقابله با کشورهای غربی را دارد، متحد و مدافعی برای خود تصور نمودند. اما خیلی زود معلوم شد که سیاست پان آسیائیسم ژاپن در واقع روکش و ظاهر سازی برای سیاست توسعه و جهان‌گیری این کشور بوده است.



در واقع ژاپن می‌خواست با این حربه رقبای خود را از آسیا دور سازد. در این راستا ژاپن نه تنها از آسیاییها در مقابل غرب حمایت نکرد که خود نیز راه آنها را در پیش گرفت و در استعمار و سلطه از استادان خود نیز جلو زد.

در مطالعه‌ای که از رویکرد طالبوف و ابراهیم نسبت به سیاست پان آسیائیسم ژاپن انجام گرفت اشتراکات و تفاوت‌هایی بین دیدگاه و رویکرد این دو متفکر مسلمان نسبت به سیاست پان آسیائیسم ژاپنی‌ها مشاهده گردید. در واقع هر دو متفکر در الگو بودن ژاپن اشتراک نظر دارند. از نظر آنها ژاپن هم از نظر تشکیلات حکومتی و هم شیوه‌ی کسب علوم و فنون جدید می‌توانست الگوی خوبی برای آسیاییها بوده باشد. همچنین در اینکه مردم آسیا می‌بایست عقب ماندگی‌های خود را جبران کرده، در مقابل غرب باهم دیگر همکاری نمایند هر دو متفکر هم نظر هستند. اما در عین حال طالبوف تا حد ابراهیم در همکاری با ژاپن جلو نمی‌رود. ابراهیم ژاپن را به‌عنوان پناهگاه و برادر بزرگ فعالان ضد استعماری می‌دانست و خود شخصاً با ماموران ژاپنی همکاری داشت، در حالی که از طالبوف چنین چیزی را سراغ نداریم. ابراهیم و دیگر فعالان مسلمان روسیه در قامت ژاپن رقیبی نیرومند در مقابل روسیه می‌دیدند و امید داشتند که با کمک این کشور از تسلط روسیه نجات یابند. ابراهیم قبل از هر چیزی آرزوی رهایی مسلمانان روسیه از تسلط روسیه‌ی تزاری را در سر داشت، در حالی که برای طالبوف جبران عقب ماندگی‌ها و حاکمیت نظم و قانون در ایران و دیگر مناطق شرق مطرح بود. در این راستا ابراهیم برتری و تفوق ژاپن را تصدیق و تأیید می‌کرد، لکن طالبوف با وجود اینکه ژاپن را تحسین می‌نمود، استقلال ایران را بر هر چیز دیگری ارجح می‌دانست.

گرچه رویدادهای بعدی اشتباه محاسبه‌ی بسیاری از فعالان آسیایی را در امید به ژاپن نشان داد، اما با این وجود موفقیت‌های عظیم ژاپن به‌عنوان چراغ راهنما و الگوی قابل تقلید تاثیر خود بر ملت‌های آسیایی و شرقی را در سالهای بعد نیز تداوم داد.

## منابع

## کتابهای فارسی

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳)، *اندیشه‌های طالبوف تبریزی*، تهران، انتشارات دماوند.
- آشوری، داریوش (۲۵۳۵)، *ایرانشناسی چیست؟ و چند مقاله دیگر*، تهران، انتشارات آگاه.
- براون، ادوارد (۱۳۸۷)، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه: حسن جوادی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- برون، ادوارد (بی تا)، *انقلاب ایران*، ترجمه: احمد پژوه، تهران، معرفت.
- بیزلی، ویلیام جی. (۱۳۹۳)، *ظهور ژاپن مدرن نگاهی به مشروطه‌ی ژاپنی*، ترجمه: شهریار خواجهیان، تهران، ققنوس.
- تقی زاده، حسن (۱۳۲۲)، *مقالات حسن تقی زاده*، قسمت اول، ۱۳۲۲، از نشریات کتابخانه طهران.
- حاج سیاح (۲۵۳۶)، *خاطرات حاج سیاح*، به کوشش: حمید سیاح، تهران، امیر کبیر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۷)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران، امیر کبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۸۷)، *حیات یحیی*، تصحیح: مجتبی برزآبادی، جلد اول، تهران، انتشارات فردوس.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۴)، *مقالات دهخدا*، جلد ۲، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، تیرازه.
- رجب زاده، هاشم (۱۳۶۵)، *تاریخ زاپن از آغاز تا معاصر*، تهران، نشر مولف.
- رسول زاده، محمد امین (۱۳۸۷)، *گزارشهایی از انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه: رحیم رئیس نیا، تهران، پردیس دانش و شیرازه.
- رئیس نیا، رحیم (۱۳۸۵)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ج. اول، تهران، ستوده.
- زنجانی، شیخ ابراهیم (۱۳۸۰)، *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*، به اهتمام: غلامحسین میرزا صالح، تهران، کویر.
- سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲)، *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران، نشر ادیب.

- طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶)، کتاب احمد، تهران، انتشارات شبگیر.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۷)، آزادی و سیاست، به کوشش: ایرج افشار، تهران، سحر.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۴۷)، مسالک المحسنین، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۲۳ هجری قمری)، مسالک المحسنین، قاهره، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- کازاما، آکی ئو (۱۳۸۰)، سفرنامه‌ی کازاما سفرنامه و خاطرات آکی ئو کازاما نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ خورشیدی)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کازانتزاکیس، نیکوس (۱۳۷۹)، چین و ژاپن، ترجمه: محمد دهقانی، تهران، نشر آتیه.
- کسروی، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، نگاه.
- گروارث، ارز مانلا رابرت (۱۳۹۳)، نبرد امپراتوری‌ها، ترجمه: پرویز دلیر پور، تهران، کویر.
- ملک المورخین، عبدالحسین خان سپهر (۱۳۶۸)، مرآت الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک المورخین؛ عبدالحسین خان سپهر، با تصحیحات: عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات زرین.
- مخبرالسلطنه، حاج مهدیقلی هدایت (۱۳۸۵)، خاطرات و خطرات، تهران، زوار.
- مخبرالسلطنه، حاج مهدیقلی هدایت (۱۳۶۸)، سفرنامه‌ی مکه، به کوشش: سید محمد دبیر سیاقی، تهران، تیراژه.
- معزی، نجفقلی (بی تا)، ژاپن و راز کامیابی ژاپنی، بی جا، مهر آئین.
- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۴۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام: سعیدی سیرجانی، بخش اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- نهرو، جواهر لعل (۱۳۸۶)، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه: محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه: علی پیرنیا، موسسه انتشارات نوین، چاپ اول، بیجا.
- روزنامه حبل المتین، شماره‌های مختلف.

## مقالات فارسی:

- افشار، ایرج (۱۳۳۰)، «طالب اف»، یغما، سال ۴، شماره ۵، صص ۲۱۴ - ۲۲۱.
- رجب زاده، هاشم (تابستان ۱۳۷۵)، «ایران و خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها»، مجله نامه فرهنگستان، شماره ۸، صص ۱۷۳-۱۶۵.
- رجب زاده، هاشم (زمستان ۱۳۷۹)، «میکادو نامه یا ستایش نامه‌ی ژاپن»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۹.
- رجب زاده، هاشم (زمستان ۱۳۷۲)، «مسلمان شدن امپراتور ژاپن»، آینه، سال نوزدهم، شماره ۱۰ تا ۱۲.
- شجری، رضا (تابستان ۱۳۸۷)، «تولد طالبوف و وکالت او بر پایه‌ی اسناد»، فصلنامه‌ی گنجینه‌ی اسناد، شماره ۷۰.

## کتاب‌های لاتین

- Aydin, Cemil (2009), *The Politics of Anti- Westernism in Asia, Visions of World Order in Pan- Islamic and Pan – Asian thought*, New York, H-Soz-u-Kult.
- Deveies, Kelly (2005), *The Russo- Japanese War in Global Perspective*, Lieden, Brill.
- İbrahim, Abdürreşid(2015), *Çoban Yıldızı Rusya İmparatorluğunda Müslümanlar*, Hazırlayan: Seyfettin Erşahin, Ankara ,Ahmet Yesevi Üniversitesi.
- Sattar, Sadia (2008), *Old Friendships: Exploring the Historic Relationship Between Pan-Islamism and Japanese Pan-Asianism*, University of Pittsburgh.
- Sharabi , H. B. (1963), *Governments and Politics of The Middle East In The Twentieth Century*, London, D. Van Nostrand Company.
- Vestre, Eskil O. (2011), *Japan as an Emerging Multicultural Society Exploring Contemporary Minority Issues through The Case Of Muslim Immigrants*, East Asian Studies, The university Of Oslo.

## مقالات لاتین

- Al-Badawi, Habib Hasan (2014), The Arab Discovery of Japan: Charting the Encounter, Southeast Review of Asian Studies, Volume 36, Ss 124-129.
- Esenbel, Selçuk (2004), Japan's Global Claim to Asia and the world of Islam: Transnational
- Nationalism and world power, 1900-1945, The American Historical Review, Vol 10, No 4, pp 1140-1170.
- Palabıyık, Mustafa Serdar (2013), The Ottoman Traveler's Perceptions of the Far East in the Early Twentieth Century, Bilig, Number 65.
- Saaler, Sven (2002), Pan- Asianism in Meiji and Taisho Japan- A Preliminary Framework, Deutsches Institut für Japanstudien, Tokyo.
- Yoshikawa, Yukie (2009), Japan's Asianism, 1868-1945 Dilemmas of Japanese Modernization, Asia- Pacific policy paper series, No 8, Washington D. C.